

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

بهرام رحمانی

۲۰۰۸.۰۹

## یاد و خاطره سالروز ۲۸ مرداد گرامی باد!

۲۸ مرداد ۱۳۵۸، سالروز صدور فرمان حمله آیت الله خمینی، رهبر حکومت اسلامی به کردستان است. حکومت اسلامی، در سی سال پیش در چنین روزی، همه امکانات نظامی و نیروهای سرکوبگر را که از حکومت پهلوی به ارث برده بود و هم چنین با بسیج و مسلح کردن نیروهای حزب الهی، سرکوب مردمی را آغاز کرد که از دستاوردهای انقلاب خود دفاع می کردند و حکومت اسلامی نمی خواستند.

مردم آزاده ایران در انقلاب ۱۳۵۷، حکومت پهلوی را با امید رهایی از زور و ستم، تبعیض و نابرابری و برقراری یک جامعه آزاد و برابر و انسانی سرنگون کردند. اما طولی نکشید که حاکمان اسلامی جدید، با آغاز سرکوب های خونین خود، این امید و آرزوی مردم ایران را به یأس تبدیل نمودند. حکومت اسلامی، با سرکوب و کشتار، حمله به رسانه ها، تجمعات زنان، کارگران، دانشجویان، تشکل های سیاسی و دمکراتیک و حمله به ترکمن صحرا و غیره به دنبال تثبیت خود بود. در واقع یک ستر اثری سرکوب انقلاب در سراسر کشور در دستور حکومت جدید قرار گرفته بود.

حمله به ترکمن صحرا و کردستان در شرایطی صورت گرفت که هنوز چند ماهی از رهایی و آزادی مردم ایران از دیکتاتوری حکومت پهلوی نگذشته بود. مردم غرق در شور و شوق و شادی پیروزی انقلاب خود بودند. رسانه ها و روشنفکران فعالیت آزادی داشتند و سایه شوم و سنگین سانسور از بالای سرشان کنار رفته بود. احزاب و سازمان های سیاسی، نهادهای دمکراتیک و مدنی یکی پس از دیگری به سرعت اعلام موجودیت کردند و مشغول فعالیت بودند. آگاهی و شعور فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و خلاقیت ها و ابتکارات در حال رشد و شکوفایی بود. عموماً همبستگی با شکوه انسانی و شادی و سرور سراسر کشور را فرا گرفته بود.

اما حکومت اسلامی تازه به قدرت رسیده، از همان روزهای نخست پس از سرنگونی حکومت شاه، سرکوب های سیاسی و اجتماعی و ترور و اعدام را آغاز کرده بود، در نخستین بهار آزادی نیز مردم شهر سنندج را به خون کشید و سپس به فکر سرکوب همه جانبه مردم تمام شهرهای کردستان افتاد.

حکومت اسلامی، با حمایت و پشتیبانی سازمان ها و احزابی هم چون حزب توده، جبهه ملی، نهضت آزادی و کلیه گرایشات ملی - مذهبی و غیره و هم چنین با حمایت دولت های بورژوازی جهان موفق به سرکوب انقلاب مردم ایران شد و تمام دستاوردهای دوران انقلاب را با زور و سرکوب خونین پس گرفت. این حکومت، ساواک را بازسازی کرد و ارتش و پلیس و ژاندارمری را نیز دست نخورده از حکومت شاه به ارث برده بود. علاوه بر این نیروهای متعصب مذهبی را نیز آموزش های پلیسی و تروریستی داد و مسلح کرد و در درون سپاه، بسیج، سربازان غیبی امام زمان، سازمان های مخفی جاسوسی و امنیتی سازمان داد. ساواک که در ماه های آخر حکومت پهلوی در دوره نخست وزیری بختیار، منحل شده بود توسط حکومت اسلامی بازسازی شد و در درون نیروهای امنیتی جدید، سازمان داده شدند. بنابراین، حکومت اسلامی، به دلیل این که نقش ضدانقلاب را به عهده گرفته بود، نه تنها نگذاشت نیروهای سرکوبگر حکومت پهلوی منحل شوند، بلکه نیروهای سرکوبگر جدیدی را نیز به آن ها افزود تا انقلاب سراسری مردم را سرکوب کند. حمله به کردستان نیز در راستای سرکوب انقلاب در سراسر ایران طرح ریزی شده بود.

یورش هوایی و زمینی نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی، در روز ۲۸ مرداد ۵۸، برای مردم مبارز و آزادی خواه کردستان، تداعی کننده خاطره یکی از روزهای مهمی است که در تاریخ مبارزاتشان ثبت شده است.

اما در مقابل تعرض وحشیانه حکومت اسلامی، مردم مبارز و آزادی خواه کردستان برای حفظ دستاوردهای انقلابی خود، مقاومت جسورانه ای را سازمان دهی کردند. برپایی جمعیت های دمکراتیک، بنکه ها و شوراهای مردمی در همه شهرهای کردستان، تشکل های کارگری، زنان و غیره از جمله تلاش های سازمان گرایانه ای بودند که در سازمان دهی مقاومت مردم کردستان، نقش مهمی را بر عهده داشتند.

کومه له نیز به عنوان یک جریان کمونیستی، در سازمان دهی تشکل های مردمی و هم چنین سازماندهی مقاومت مسلحانه نقش برجسته و مهمی را ایفاء می کرد. از این رو، جریان قدرتمند آزادی خواه و سوسیالیست، آن چنان مقاومت بزرگی را در مقابل نیروهای سرکوبگر حکومتی سازمان داد که حکومت اسلامی هنوز نتوانسته اراده انقلابی توده های مردم کردستان را بشکند و موقعیت خود را در کردستان تثبیت نماید.

به این ترتیب، نه تنها سازمان های سیاسی و مردم آزادی خواه کردستان، بلکه عمدتاً سازمان های سیاسی چپ سراسری موسوم به «خط ۳» که در کردستان نیز فعالیت داشتند در مقابل یورش نیروهای تا دندان مسلح حکومت اسلامی، به مقاومت جسورانه ای دست زدند. از سویی یک همبستگی شکوهمندی با مردم انقلابی کردستان در سراسر ایران به وجود آمد.

در این یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی، انسان های بی شماری جان خود را از دست دادند و هزاران تن نیز توسط آیت الله خلخالی، بدون محاکمه به جوخه های مرگ سپرده شدند. از آن تاریخ تاکنون، کردستان میلیتاریزه شده است. اما مردم آزادی خواه این منطقه، هنوز هم موجودیت این حکومت جانی و آدمکش را به رسمیت نشناخته اند.

در آن دوره کم نبودند فعالان جنبش های اجتماعی و انقلابیون چپ و کمونیستی که در سراسر ایران تحت تعقیب و تهدید نیروهای امنیتی حکومت اسلامی قرار داشتند و یا به زندگی مخفی وادار شده بودند راهی کردستان شدند و فعالانه در جنبش انقلابی کردستان به مبارزه خود علیه حکومت اسلامی ادامه دادند. تعدادی از آنان نیز در راه مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم جان باختند. یادشان گرامی باد!

بدین ترتیب، ستراتژی حکومت اسلامی، سرکوب انقلاب در سراسر ایران بود و سرکوب جنبش انقلابی و آزادی خواه کردستان نیز بخشی از این ستراتژی بود. اما در کردستان مردم آزادی خواه و کارگران و مردم ستم دیده با مقاومت خود توانستند راه تشکل یابی کارگران، زنان، تشکل های دفاع از حقوق کودکان و غیره را فراهم سازند.

امروز سیاست های مختلف و متفاوتی برای حل ستم ملی در ایران از جمله در کردستان وجود دارد. بی شک سیاست های ناسیونالیستی نظیر خودمختاری و فدرالیسم راه حل هایی نیستند که به رهایی قطعی مردم تحت ستم منجر شوند، بلکه این راه حل ها ستم ملی را نهادینه می کنند. تنها راه حل سیاسی انسانی برای رهایی «ملل» تحت ستم، برقراری یک جامعه آزاد و برابر و انسانی در سراسر ایران است که در آن، همه ساکنان کشور بدون توجه به ملیت، جنسیت، مذهب و عقاید سیاسی شان، از حقوق یکسان و برابری برخوردار باشند و هیچ ملتی و زبانی بر ملت و زبان دیگری برتر نباشد. برای رسیدن به این هدف، مبارزه محلی و غرق شدن در مسایل ناسیونالیسم محلی، چاره ساز نیست و کاری را از پیش نمی برد. اما به عکس، اگر مثلا مردم ستم دیده و کارگران کردستان، آذربایجان، بلوچستان، خوزستان و غیره فعالانه در مبارزه سراسری و در پیوندی تنگاتنگ بین جنبش های اجتماعی محلی با جنبش های سراسری، تحت ستراتژی کمونیستی طبقه کارگر، حکومت اسلامی را سرنگون کنند، هم نیازهای «ملل» تحت ستم برآورده می شود و هم همبستگی طبقاتی و انسان دوستی سراسری به جای تقابل و کشمکش ناسیونالیستی در جامعه ریشه می داند. بر این اساس، جنبش انقلابی کردستان نیز باید همین ستراتژی کمونیستی را در پیوند و رابطه تنگاتنگ با جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و دیگر جنبش های تحت ستم سراسری ایران ادامه بدهد تا از این طریق به ستم ملی در کردستان نیز خاتمه داده شود.

مسلماً در شرایط حساس کنونی جامعه مان، تحقق اهداف و سیاست های انسانی و اجتماعی هم چون آزادی بی حد و حصر بیان و اندیشه، حق آزادی تشکل و اعتصاب و تجمعات، آزادی همه زندانیان سیاسی، لغو شکنجه و اعدام، لغو کار کودک، لغو آپارتاید جنسی، به رسمیت شناختن حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی «ملل» تحت ستم سراسر ایران، برقراری بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران کشور و غیره، در گرو مبارزه متحد و متشکل سراسری است. تنها اتحاد و همبستگی جنبش کارگری، زنان، دانشجویان، دانش آموزان، روشنفکران مترقی، مردم تحت ستم و آزادی خواه با همدیگر و سازمان دهی یک مبارزه آگاهانه و هدفمند متشکل و متحد و همبسته می تواند حکومت اسلامی را سرنگون کند و با رهایی کل جامعه ایران از سرکوب و ستم حکومت اسلامی، رهایی «ملل» تحت ستم را نیز متحقق سازد و حقوق یکسان و برابری را برای همه ساکنان ایران به ارمغان آورد.

امروز در شرایطی یاد سی امین سالروز حمله وحشیانه حکومت اسلامی به کردستان را محکوم می کنیم و یاد همه جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم در کردستان و سراسر ایران را گرامی می داریم که حکومت اسلامی، دچار بحران شدیدی است و مردم در راه پیمایی های میلیونی و با شکوه خود، یک صدا فریاد زده اند: حکومت سانسور و اختناق، آپارتاید جنسی، ستمگر و استثمارگر نمی خواهند!

بیست و هشتم مرداد ۱۳۸۸ - نوزدهم اوت ۲۰۰۹